

دولت امید تازه ای
به فعالان اقتصادی تزریق کرد

گنبد کاووس با کمبود
فضای آموزشی مواجه است

اولویت‌های آموزش و پرورش
در دولت چهاردهم

یادداشت اول

۱۴ مرداد

سالگرد مشروطه

با مسوولیت سردبیر

یک شنبه سالگرد اعلان مشروطه در ایران به سال ۱۳۳۴ قمری در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ شمسی است، در واقع روز بزرگ ملی ایرانیان است، روزی است که باید متفکران و نویسندگان ساعتها و روزها درباره آن به بحث و گفت و گو بگذرانند تا با درک اشکالات فرهنگی، اجتماعی جامعه ایرانی در کنار شناخت توانمندی‌ها و نقاط قوت انقلاب مشروطه راهی به توسعه متوازن در ایران گشوده شود، اما شوربختانه هر چه در این سالها گذشته است طرح یک طرفه مباحث و تلاش در جهت فراموش کردن آرزوها و آمال ملت ایران در مشروطه بوده و هست، مردمی که به دنبال عدالت، رفع تبعیض، مجلس قانون گذاری، جمهوریست بودند و در کوتاه مدتی در دامن غول استبداد گرفتار آمدند. این روزها چنان روح و روان ایرانیان گرفتار حواشی است که اصولا فرصتی برای تامل های تاریخی و بنیادین ندارند، اگر اندک فرصتی باشند ترجیح می دهند در خلسه با دوستان و یاران موافق و یا به شنیدن موسیقی ملایمی وقت را پر کنند، نتیجه آن هم روزمره گی های مستمر و دغدغه های کم ثمر یا بی ثمر برای جامعه ایرانی بوده و هست. اما به هر حال به عنوان ملتی که بیش از یک قرن پیش اولین انقلاب را در منطقه برای عدالت، آزادی و رفع تبعیض و حکومت قانون کرده است حق داریم که از خود پرسسیم، آیا با همه این تلاطم ها و فراز و نشیب ها ملت ایران گامی به جلو برداشته است؟ آیا وقت آن نرسیده است امکان گفت و گوهای انتقادی جلی و بدون تعارف و آزادی فراهم شود تا از این چنبره فرمالیستی و سطحی رهایی یابیم؟ آیا وقت آن نیست که دست کم یک بار اندیشه های انقلابیون و روحانیون مشروطه طلب و مشروعه خواه آزادانه و محققانه در رسانه ملی برای مردم بسط داده شود تا ملت تفاوت دقیق شیخ فضل اله و میرزای نایینی را بدانند. آیا هم چنان می خواهیم آن که آزادی را کلمه قبیحه می دانست و قانون را مثنی جعلیات و با ذنای مدرن سر عناد داشت ناجی ملت بدانیم و از آخوند خراسانی و ملا عبدالله مازندرانی و میرزای نایینی سخن نگویم و گمان کنیم راهی به دهی خواهیم برد؟ امید که عقلانیت و دانی راه خود را به این آبادی هم باز کند.



آخرین جزئیات پرونده
دست اندازی به سفره گلستانی ها



درباره
ترور هنیه



حفاظت از منابع طبیعی
تبدیل به فرهنگ شود

خطر همچنان

در کمین خلیج گرگان



باعث شد آب از خلیج گرگان به دریای خزر برود. به طوری که با هر بادی که می وزید، آب دریا به سمت خلیج می آمد. اما با قطع شدن باد، با توجه به اختلاف پتانسیلی که وجود داشت، آب به سمت دریای خزر می رفت. وی در ادامه، درباره ی پس روی آب های دریای خزر و تأثیرات آن بر خلیج گرگان عنوان کرد: بعد از لایروبی کانال آشوراده، میزان دبی آبی که دریای خزر می تواند از طریق این کانال به خلیج گرگان داشته باشد را محاسبه کردیم.

ادامه در صفحه ۲

خلیج نسبت به دریای خزر، به سرعت تا جزیره ی آشوراده را تحت تأثیر قرار داد. اما متأسفانه سبب طبقه بندی شوری نیز شد. به طوری که در سطح آب شوری تقریباً ۲۱ و در کف آب شوری تقریباً ۴۸ داشتیم. این روند ادامه دار شد. تا اینکه با بازندگی هایی که در خلیج گرگان اتفاق افتاد سطح شوری سطح و کف خلیج گرگان هم تراز شد و تراز آب خلیج گرگان نیز به تراز آب دریای خزر رسید. شوری پهنه ی آبی خلیج فارس تقریباً ۳۰ و شوری پهنه ی دریای خزر تقریباً ۱۳ بود. این اختلاف پتانسیل بین دو پهنه،

کیلومتر مربع در سال ۲۰۱۷ به ۲۴۰ کیلومتر مربع در سال ۲۰۲۳ رسید. پهنه ی آبی ما به شدت تحت تأثیر قرار گرفت. تبخیر بالاتر از انتظار خلیج گرگان در سال ۲۰۲۳ نیز باعث کاهش تراز خلیج گرگان تا پایین تر از تراز دریای خزر شد. طبق پیش بینی ما ممکن بود تا انتهای سال ۲۰۲۳ این رقم از ۲۴۰ کیلومتر مربع به ۱۹۰ کیلومتر مربع برسد. اما بازگشایی کانال آشوراده با افزایش مساحت خلیج گرگان همراه شد که خبر خوبی برای ما بود. آبی که از سوی دریای خزر به خلیج گرگان وارد شد، با توجه به منفی تر بودن تراز

مهران مودنی - چهارشنبه گذشته ویدئویی توسط پژوهشکده ی اکولوژی دریای خزر به مناسبت روز دریای خزر برگزار شد. جمعی از محققین به بررسی پس روی آب و تغییرات اکو بیولوژیک این دریا و پیامدهای ناشی از آن پرداختند. عبدالعظیم فاضل، عضو هیئت علمی مرکز تحقیقات ذخایر آبزیان آب های داخلی کشور به تأثیرات پس روی آب های دریای خزر و تأثیرات آن بر خلیج گرگان پرداخت. وی ابتدائاً درباره ی بازگشایی کانال آشوراده گفت: با کاهش آب های دریای خزر، مساحت خلیج گرگان از ۲۰۱

ادامه تیتراول

گونه‌ی کیلکای آنچوری گونه‌ی اصلی کیلکای دریای خزر بود که ۸۰ درصد از صید کیلکای ایران و کشورهای حاشیه‌ی دریای خزر را شامل می‌شد. کیلکای چشم‌درشت نیز به عنوان گونه‌ی دوم کیلکای خزر شناخته می‌شد. در طی ۱۵ سال اخیر، این دو گونه از صید کشور ما محو شدند. باید در نظر داشت که با کاهش آب رودخانه‌هایی که وارد دریای خزر می‌شوند، قسمت عظیمی از دریای خزر را از دست خواهیم داد و قسمت وسیعی از مساحت چراگاهی از بین خواهد رفت. همچنین در دهه‌ی ۷۰ پس از فروپاشی شوروی صید غیر مجاز در دریای خزر افزایش پیدا کرد و مسبب صدمات زیادی برای ذخایر این دریا شد. در دهه‌ی بعدی حضور وجود گونه‌ی شانه‌دار آسیب‌های بسیار شدیدی در پی داشت و اکوسیستم دریای خزر را تغییر داد. در دهه‌ی ۹۰ نیز علاوه بر صیدهای بی‌رویه و غیر مجاز و حضور گونه‌ی شانه‌دار، تغییرات اقلیمی نیز اضافه شد که این موجب ادامه‌دار شدن کاهش سطح آب دریای خزر خواهد شد. لقمان خداکرمی، عضو هیئت علمی دانشگاه کویه کردستان عراق که مهمان ویژه‌ی این وبینار بود، به ارائه‌ی توضیحاتی درباره‌ی اهمیت ارزیابی پایداری اکوسیستم‌های دریایی پرداخت و عنوان کرد: اکوسیستم‌های آبی نقش بسیار مهمی در زندگی ما دارند و در تنظیم آب و هوا، حفظ تنوع زیستی و تأمین مواد غذایی نقش بسزایی را ایفا می‌کنند. آلودگی‌های شیمیایی و پلاستیکی، تغییرات اقلیمی، گرمایش جهانی، تخریب زیستگاه‌ها، بهره‌برداری بی‌رویه، ورود گونه‌های غیر بومی، تغییرات کاربری اراضی، شهرسازی و کشاورزی در اطراف زیستگاه‌های آبی، استخراج منابع معدنی و تغییرات در جریان‌های آبی از جمله چالش‌های پیش روی اکوسیستم‌های آبی هستند. کاهش تنوع زیستی، تخریب اکوسیستم، کاهش منابع غذایی، افزایش خطر بلایای طبیعی از جمله پیامدهای این چالش‌ها هستند. برای مقابله مؤثر با این چالش‌ها، ارزیابی دقیق پایداری اکوسیستم‌های آبی حیاتی است. چرا که ابتدا باید مشکل اکوسیستم‌های آبی را تشخیص داد و این تشخیص دقیق، همان ارزیابی مستمر پایداری است. پایداری در این مورد به معنای توانایی یک سیستم برای حفظ تعادل و ادامه‌ی حیات در درازمدت است. همچنین پایداری به طور کلی در حوزه‌ی محیط زیست به معنای بهره‌برداری از منابع به گونه‌ای است که نیازهای ما و آیندگان را برآورد کند. از این رو، ارزیابی پایداری اکوسیستم‌های آبی کلیدی برای آینده‌ی پایدار است. امروزه شهرها به دلیل افزایش جمعیت یکی از عوامل اصلی مشکل‌زا برای اکوسیستم‌های آبی هستند. متأسفانه نزدیک به ۶۰ الی ۸۰ درصد منابع طبیعی ما در شهرها مصرف می‌شود و بخش بزرگی از آلودگی‌های حاصل از آن، به سمت سفره‌های آب سطحی و زیرزمینی ما هدایت می‌شود.

در این منطقه صورت بگیرد. در حال حاضر عزیزانی در پژوهشکده‌ی انزلی بر روی این موضوع کار می‌کنند. ما تاکنون ۲ اختار بابت تالاب انزلی دریافت کرده‌ایم و اگر اختار سوم صادر شود، این تالاب به طور کامل از فهرست خارج خواهد شد. وی افزود: افزایش تراز آب باعث گسترش تالاب‌های ساحلی و زیستگاه‌های جدید می‌شود. همچنین سرعت چرخه‌ی آب و چرخه‌ی مواد غذایی نیز کاهش پیدا می‌کند. افزایش تراز آب بر ترانزیت، ترافیک دریایی، بندر و سازه‌ها نیز اثرگذار خواهد بود. در مقابل، کاهش تراز آب آسیب‌های زیادی در پی دارد و سبب کاهش گستره‌ی تالاب‌ها می‌شود. به طوری که تالاب‌های کوچک به کلی از پهنه‌ی روزگار محو می‌شوند. زیستگاه آبیان و پرندگان مهاجر نیز با خطرات جدی روبه‌رو خواهند شد. عوفی در نهایت اظهار داشت: ما به طور کلی دو دلیل عمده را برای نوسانات دریای خزر در نظر می‌گیریم. عوامل اول تغییر اقلیم و عامل دوم سدسازی است. بر اساس اطلاعاتی که ما از گزارشات جهانی تغییر اقلیم در اختیار داریم، این تغییرات در حوزه‌ی دریای خزر کم‌ترین تأثیر را دارد. به همین خاطر، نقش سدسازی پررنگ‌تر است. تاکنون در این ناحیه ۴۰ سد ساخته شده و قریب به ۲۰ سد در برنامه‌ی ساخت قرار دارند. از طرفی، تأثیرات استرس محیطی - اجتماعی جنگ روسیه و اوکراین نیز بر وضعیت اکو بیولوژی دریای خزر مشهود است. تحریم‌های غرب علیه روسیه منجر به کاهش واردات محصولات کشاورزی اروپا و آمریکا شده. در نتیجه، برداشت بیش‌تری از منابع آبی صورت می‌گیرد. به خصوص برای کشت گندم. حسن فضل‌ی، عضو هیئت علمی پژوهشکده‌ی اکولوژی دریای خزر درباره‌ی میزان کاهش سطح دریای خزر گفت: پیش‌بینی می‌شود سطح آب دریای خزر ۹ تا ۱۸ متر کاهش پیدا خواهد کرد. بنابراین قسمتی از دریای خزر که کم‌تر از ۱۸ متر عمق دارند، از سیستم دریای خزر خارج خواهند شد. وی در ادامه به شرح آسیب‌های کاهش سطح دریای خزر بر گونه‌های جانوری دریای خزر از جمله ماهی کفال و کیلکا پرداخت و افزود: مطالعات ما نشان می‌دهد که متأسفانه رشد ماهی سفید در دهه‌های ۵۰، ۷۰ و در دهه‌ی اخیر به شدت کاهش پیدا کرده. به طور مثال ماهی‌هایی که در مدت ۴ سال به ۴۰ سانتی‌متر می‌رسیدند، با کاهش رشد ۵ یا ۶ سانتی‌متری روبه‌رو شدند. البته از سال ۱۳۶۲ ایران شروع به تکثیر مصنوعی ماهی سفید کرد که صید این ماهی را به شدت افزایش داد. اما باید به این نکته توجه داشت که تکثیر تنها یک گونه و بی‌توجهی به گونه‌های دیگر، اثرات منفی زیادی خواهد داشت. در حال حاضر این اثرات بر تنوع گونه‌ها مشهود است. علاوه بر این، ممکن است فراوانی گونه‌ای بر اثر عوامل محیطی به شدت کاهش پیدا کند. به طور مثال،

با در نظر گرفتن کاهش ۲۰ درصدی سطح آب دریای خزر که بدترین سناریو است، در ۸ سال آینده اگر سطح دریای خزر به منفی ۲۲ برسد، کارایی کانال آشوراده از بین خواهد رفت و باید راهکار دیگری برای نجات خلیج گرگان و تالاب میان‌کاله اندیشیده شود. در حال حاضر، پمپاژ آب و لایروبی کانال چپاقلی شاید تنها راهکارهای ممکن برای ما باشند. هم‌اکنون چیزی حدود ۴۲ متر مکعب بر تانیه آب وارد خلیج گرگان می‌شود. این عدد در سال پنجم حدود ۱۳ و در سال هشتم به ۱،۳ متر مکعب بر تانیه که مقدار بسیار ناچیزی است، خواهد رسید. این‌ها همه در صورتی است که روند کاهش آب‌های دریای خزر ادامه‌دار باشد. همچنین گفتنی است که سال ۱۳۹۶ تنوع گونه‌ای خوبی در خلیج گرگان وجود داشت. اما سال ۱۴۰۲ حدود ۹۵ درصد از جمعیت ماهیان خلیج مربوط به کفال ماهیان بود. در نظر بگیرید که در ماه‌های آخر ۱۴۰۲ که شوری آب خلیج گرگان به ۵۰ رسیده بود، کفال ماهیان نیز وجود نداشتند و ما از انجام هرگونه صیدی عاجز بودیم. از این رو، شرایط خلیج گرگان بسیار بد بود و به لایروبی نیاز داشت. در شرایط کنونی، ماهیان در حال احیای جمعیت خودشان هستند و فعلاً شرایط خوبی برقرار است. اما با کاهش سطح آب دریای خزر، دوباره خلیج گرگان را از دست خواهیم داد. فریدون عوفی، عضو هیئت علمی مؤسسه‌ی تحقیقات علوم شیلاتی کشور درباره‌ی اهمیت حوزه‌ی آبریز دریای خزر و خطرات پیرامون آن گفت: حوزه‌ی آبریز دریای خزر با ۱۷۴ هزار کیلومتر مربع یکی از مهم‌ترین حوزه‌های آبریز کشور است و حدود ۷۵۰ رودخانه‌ی دائمی، فصلی و آبراهه در این حوزه وجود دارد. اما از این میان تنها ۴۸ رودخانه به دریا می‌ریزد. همچنین بر اساس اطلاعات سازمان حفاظت محیط زیست، نزدیک به ۱۳ منطقه‌ی تحت پوشش مناطق چهارگانه (پارک ملی، اثر طبیعی ملی، پناهگاه حیات وحش و مناطق حفاظت شده) وجود دارد که در این میان، بیش‌ترین تنوع مختص به پناهگاه حیات وحش است. در حال حاضر مجموع تالاب‌های بندر انزلی به علت عدم مدیریت صحیح، مشکلات حقابه و کاهش شدید سطح آب در فهرست مونتر قرار دارند. این تالاب‌ها سال ۱۳۷۲ از فهرست کنوانسیون رامسر خارج شدند. دبیرخانه‌ی کنوانسیون همچنان منتظر است که مدیریت جامع و کاملی

دولت امیدتازه‌ای به فعالان اقتصادی تزریق کرد

بازرگانی گرگان برشمرد و افزود: امسال کشاورزان در فروش جو به دلیل قیمت پایین در بازار، دچار مشکل شده بودند که با پیگیری اتاق بازرگانی گرگان، سازمان تعاون روستایی با قیمت هر کیلوگرم ۱۰۰ هزار ریال محصولات را خریداری کرد. رییس کمیسیون سرمایه‌گذاری اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان گفت: راه‌اندازی ایرلاین برای این استان شمالی از سوی شماری از ذی‌نفعان اتاق بازرگانی گرگان در حال تحقق است. رضا مبصری ادامه داد: هسته مرکزی سرمایه‌گذاری راه‌اندازی ایرلاین برای خرید هواپیما شکل گرفته و پیگیر خرید ۲ تا سه فروند هواپیمای مسافری هستیم اما برای راه‌اندازی ایرلاین تأمین پنج فروند هواپیمای مسافری لازم است. مبصری تأکید کرد: با راه‌اندازی ایرلاین در گلستان، راه ورود سرمایه‌گذاران به این استان هموار خواهد شد. نایب رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان هم خواستار فراهم کردن شرایط توسط دستگاه‌های مرتبط استانی برای فعالیت بخش خصوصی در توسعه گلستان شد. علی‌محمد چوپانی بر ساماندهی نাত্রازی برق و گاز برای واحدهای تولیدی و همراهی بیش از گذشته مسوولان دستگاه‌های مرتبط در تحقق طرح‌های توسعه‌ای و موردنیاز استان تأکید کرد. مطابق گزارش اتاق بازرگانی گرگان، بیش از ۸۰۰ فعال اقتصادی در گلستان دارای کارت بازرگانی هستند که عمده فعالیت فعالان اقتصادی گلستان با کشورهای آسیای میانه است.



تولیدی از گلستان، کشورهای همسایه در آسیای میانه است. رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان گفت: بی‌توجهی به توسعه بخش کشاورزی استان با برداشتن موانع، یکی از مهم‌ترین مشکلات به شمار می‌رود اما تاکنون از این ظرفیت برای توسعه اقتصادی استان استفاده نشود. وی ادامه داد: قیمت گذاری دستوری برای تولید محصولات کشاورزی، یکی از موانع توسعه اقتصادی استان گلستان به شمار می‌رود. یوسفی حمایت از تولید جو در گلستان را دیگر برنامه اتاق

و ارتباط با آسیای میانه، ارتباط هوایی با اکتاوو قزاقستان، صدور ویزای ۱۴ روزه از سوی قزاقستان، سکوت اقوام قزاق در گرگان و فعالیت کنسولگری قزاقستان در گرگان از جمله ظرفیت‌های توسعه صادرات برای گلستان به شمار می‌رود. به گفته وی صادرات کالا از گمرکات گلستان طی ۲ سال اخیر بخاطر افزایش ارتباطات با کشورهای همسایه استان به ویژه ترکمنستان و قزاقستان، ۴۸ درصد رشد داشته است. یوسفی خاطرنشان کرد: بهترین بازارهای هدف صادرات کالا

رییس اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی گرگان گفت: دکتر پزشکیان بعد از انتخابات ریاست جمهوری، نخستین نشست خود را با فعالان اقتصادی برگزار کرد و امید برای استفاده هرچه بیشتر از ظرفیت این بخش را زنده کرد. به گزارش روابط عمومی، امیر یوسفی اظهار امیدواری کرد دولت چهاردهم با انتخاب وزرا و استانداران توانمند، گروه اقتصادی در کنار بخش خصوصی قرار دهد که بیشتر از ظرفیت فعالان اقتصادی در پیشرفت کشور استفاده شود. وی ادامه داد: با توجه به این که شعار رییس جمهور، در کنار هم بودن و استفاده از ظرفیت‌ها بود انتظار داریم از ظرفیت اتاق بازرگانی گرگان برای توسعه اقتصادی استان گلستان به خوبی بهره‌برداری شود. به گفته وی در نشست فعالان اقتصادی کشور با دکتر پزشکیان، چالش و ظرفیت‌های توسعه گلستان نیز مطرح شد. وی بر حل نাত্রازی برق، گاز و منابع پولی و بانکی سر راه فعالان اقتصادی استان توسط دولت چهاردهم برای مشارکت هرچه بیشتر در جهش تولید و ایجاد ارزش افزوده اقتصادی در گلستان تأکید کرد. یوسفی ادامه داد: سرمایه‌گذاری برای شرکت فعالان اقتصادی گلستان در نمایشگاه‌های بین‌المللی، از هدف‌گذاری مهم اتاق بازرگانی گرگان در سال جاری است. وی گفت: برپایی ۲ نمایشگاه بین‌المللی در عشق‌آباد ترکمنستان و آلماتی قزاقستان برای شهرپرور و آبان امسال تارک دیده شده است. وی یادآور شد: همسایگی و مشترکات قومی با ترکمنستان، فعالیت گمرکات اینچنه برون



خبر

حفاظت از منابع طبیعی تبدیل به فرهنگ شود



فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان گفت: حفاظت از منابع طبیعی وظیفه همه مردم است و امروز باید تبدیل به فرهنگ شود. به گزارش روابط عمومی، عیسی گلبینی مفرد منابع طبیعی را جز ثروت‌ها و دارایی‌های کشور دانست و اظهار کرد: با توجه به اهمیت جنگل‌ها و مراتع باید برای حفظ و نگهداری آن برنامه ریزی کرد. وی با اشاره به اینکه حفاظت از منابع طبیعی وظیفه همه مردم است و امروز باید تبدیل به فرهنگ شود افزود: در کنار مردم افرادی باید به صورت تخصصی کار حفاظت و نگهداری از جنگل‌ها و مراتع را بر عهده بگیرند. فرمانده یگان حفاظت منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان گفت: جنگلیان با دانش و شناختی که از جنگل‌ها و مراتع دارد از آنها حفاظت و نگهداری می‌کند. وی با اشاره به اینکه همیشه افرادی هستند که به دنبال سوء استفاده از طبیعت در جهت منافع شخصی خود هستند و آنها جز بزرگترین خطرات موجود برای جنگل و جنگلیان به حساب می‌آیند، یادآور شد: در سال ۱۴۰۱ تعداد ۱۱ نفر، در سال ۱۴۰۲ چهار نفر و در سال جاری یک نفر از جنگلیان گلستان در مقابله با متخلفان دچار آسیب شدند. گلبینی مفرد اظهار کرد: این آمار نشان می‌دهد مردم به سمتی حرکت می‌کنند که فرهنگ منابع طبیعی در حال تقویت است. وی افزود: از مردم می‌خواهیم هر کدام از آنها در برابر با عرصه‌های منابع طبیعی یک جنگلیان باشند.



دستگیری ۴ حفار غیرمجاز در کردکوی

مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و منابع دستی گلستان از دستگیری چهار حفار غیرمجاز در کردکوی با همکاری نیروی انتظامی این شهرستان خبر داد. به گزارش روابط عمومی، محمدجواد ساوری در خصوص دستگیری حفار غیرمجاز در شهرستان کردکوی، گفت: بر اساس گزارش‌های میراث بانان افتخاری مبنی بر فعالیت مشکوک حفار غیرمجاز در یکی از منازل مسکونی در شهرستان کردکوی، موضوع در دستور کار قرار گرفت. وی افزود: پس از بررسی‌های میدانی و پایش منطقه، تیمی کارآزموده از مأموران یگان حفاظت میراث فرهنگی غرب استان با همکاری نیروی انتظامی کردکوی پس از کسب نیابت قضائی به محل اعزام و پس از انجام عملیاتی وارد منزل مسکونی شده و پس از بررسی و بازدید، حفاری غیرمجازی به عمق ۱۵ متر و عرض ۱۵ متر در حیاط این منزل مسکونی شناسایی و در این زمینه چهار نفر دستگیر شدند. مدیرکل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی گلستان گفت: متهمان با تنظیم صورت‌جلسه به منظور سیر مراحل قانونی و قضائی به همراه ادوات حفاری غیرمجاز به نیروی انتظامی کردکوی تحویل شدند.

دانش آموزش، اولیا و جامعه می‌تواند پشتوانه ایی برای آموزش و پرورش باشد و تقویت نظام صنفی باعث آگاهی بخشی جامعه جهت حمایت از نظام آموزش و پرورش کشور شود.

۴- کاستی‌ها و عدم تناسب میزان بودجه با آن چه از آموزش و پرورش در اسناد بالادستی انتظار می‌رود موجب فاصله‌ای معنادار در همه اهداف اصلی سند تحول بنیادین با واقعیت، حیطه گسترش همگانی سواد و عدالت آموزشی شده‌است.

لازم است که نیروی انسانی و منابع مالی موجود متناسب با برنامه ریزی واقع بینانه به کار گرفته شوند. توانمند شدن نیروهای انسانی و بهبود شرایط آموزشی نیازمند پیش بینی بودجه مناسب و کارشناسی شده است.

۵- وزیر آموزش و پرورش می‌بایست جلوی برنامه ریزی‌های صوری، بخشنامه‌های متعدد و دست و پاگیر را گرفته و بودجه و امکانات را در جهت اولویت‌های واقعی تنظیم نماید. پیشنهاد محوری این یادداشت به برنامه ریزان حوزه آموزش و پرورش و وزیر آتی دولت چهاردهم، اجرایی نمودن اهداف سند تحول بنیادین به صورت کامل با نگاهی به اولویت‌ها و گام برداشتن به سوی توانمند نمودن نیروی انسانی آموزش و پرورش برای خلق دائمی روش‌های نوآورانه است.

فعال فرهنگی، مدنی

نظام آموزش و پرورش ایران در سال‌های اخیر و تحت تأثیر مسائل اقتصادی و تصمیمات نادرست دولت‌ها در وضعیتی قرار گرفته که در سطوح گوناگون نسبت به آن تردیدهای جلی وارد شده است. از طرفی خانواده‌ها به خصوص در شهرهای بزرگ گرایش بیشتری به مدارس غیردولتی پیدا کرده‌اند. از طرف دیگر معلمان از شرایط شغلی خود رضایت ندارند. از جانبی نهادهای متولی فرهنگ اعتقاد دارند آموزش و پرورش کشور هنوز نتوانسته وظایف خود را در قبال جامعه و دولت به درستی انجام دهد و نگاه دولت‌ها به این عرصه روزمره و خدمات محور بوده است. به این لحاظ به نظر می‌آید مهمترین اولویت‌های آموزش و پرورش که دولت چهاردهم به آن توجه نماید عبارتند از:

۱- اهمیت آموزش و پرورش در تصمیم‌گیری‌های کلان است تا زمانی که این وزارتخانه باری گران و هزینه بر در حاکمیت تصور شود هیچ اتفاق مثبتی نخواهد افتاد.

۲- در تمام سازمان‌ها نیروی انسانی به عنوان مهمترین سرمایه محسوب می‌گردند. در آموزش و پرورش به جهت اهمیت معنایی و اثرگذاری آن بر تمام شئون جامعه استخدام نیروهای توانمند و متخصص، حفظ و ارتقا بر مبنای شایسته سالاری در ستاد تأثیری بلندمدت در همه بخش‌های آموزش و پرورش دارد.

۳- مطالبه‌گری همه ذی‌نفعان آموزش و پرورش معلمان،



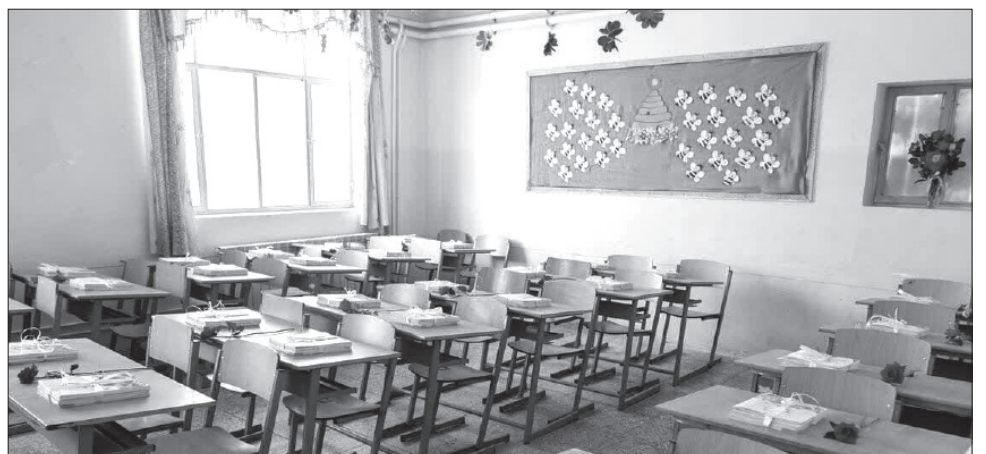
اولویت‌های آموزش و پرورش در دولت چهاردهم



رامین آذونی

گنبد کاووس با کمبود فضای آموزشی مواجه است

در ۶۰ موبک دانش آموزی گنبد کاووس که نیمی از آن ویژه دختران خواهد بود در مجموع ۲۵۰ نوجوان فعالیت خواهند داشت. فرماندار گنبد کاووس هم در این جلسه بر لزوم همکاری و همراهی ادارات و نهادها با دانش آموزان در برپایی موبک‌های دانش آموزان این شهرستان در ایام اربعین تأکید کرد و گفت: همواره برنامه‌هایی از جمله مراسم عزاداری اربعه‌الله (الحسین ع) که با محوریت مردم برگزار می‌شود بهره فرهنگی بیشتری داشته است. مهلی دهرویه همچنین بر لزوم ترویج فرهنگ مطالبه‌گری فرهنگی در جامعه تأکید کرد و افزود: نهادینه شدن این نوع مطالبه‌گری به رشد و توسعه فعالیت‌های فرهنگی و جلوگیری از انحرافات و آسیب‌های اجتماعی در جامعه کمک شایانی می‌کند. وی با اشاره به برخی عقب ماندگی‌های زیرساختی گنبد کاووس در بخش‌های گوناگون از جمله آموزش و پرورش، اضافه کرد: اهتمام به نظام تعلیم و تربیت و رفع کمبودهای آن باید اولویت همه ادارات و نهادها باشد. فرماندار گنبد کاووس ادامه داد: کمبود فضای آموزشی و پرورشی با استفاده از فضاهای و ساختمان‌های مازاد برخی ادارات و نهادهای این شهرستان از جمله جهاد کشاورزی قابل رفع است. دهرویه همچنین بر ضرورت افزایش ۲۰ درصدی مدارس هیأت امنایی در گنبد کاووس تأکید کرد و گفت: دو نوبتی شدن این مدارس در مقطع ابتدایی بلا مانع اما در مقطع متوسطه ممنوع است.



در گنبد کاووس هم خبر داد و افزود: زمین این واحد آموزشی دچار مشکل حقوقی شده که امیدواریم بزودی رفع و عملیات اجرایی آن ادامه یابد. معاون امور جوانان اداره کل ورزش و جوانان گلستان هم در این جلسه از برپایی ۶۰ موبک دانش آموزی ویژه اربعین حسینی در شهر گنبد کاووس خبر داد و بیان کرد: این موبک‌ها و تجمع نوجوانان در آن فرصت مغتنمی برای تبیین و روشن‌گری فرهنگ ایثار و شهادت و نهضت اربعه‌الله (الحسین ع) برای این قشر است. حامد ملاحسینی افزود: برپایی موبک‌ها در گنبد کاووس با عنوان «تجمع نوجوانان اربعینی» و در روزهای ۲۰ و ۲۱ مردادماه جاری خواهد بود. وی اضافه کرد:

جوابگویی نیاز نیست و باید سالانه ۲۰ درصد به ظرفیت آموزشگاه‌های هیأت امنایی این شهرستان اضافه شود. غنی پور همچنین با تخلف دانستن دریافت شهریه هنگام ثبت نام در مدارس دولتی، ادامه داد: با مدیران متخلف در صورت دریافت گزارش برخورد خواهد شد. مدیر آموزش و پرورش گنبد کاووس همچنین از نصب نشدن اشعاعات استخر دانش آموزی این شهرستان انتقاد کرد و گفت: با اینکه این مجموعه در سفر دوم ریاست جمهوری به گلستان (۳۰ آذر ۱۴۰۲) افتتاح شد اما هنوز اشعاعات نصب نشده است. وی از توقف عملیات اجرایی ساخت مدرسه ویژه دانش آموزان مبتلا به اوتیسم شرق گلستان

مدیر آموزش و پرورش گنبد کاووس از کمبود فضای آموزشی در این شهرستان مرزی و کمتر برخوردار خبر داد و گفت: کمبودهای این بخش سبب شده برنامه‌های مرتبط با نظام تعلیم و تربیت به خوبی اجرا نشود. به گزارش روابط عمومی، محمد غنی پور در جلسه شورای آموزش و پرورش گنبد کاووس و بدون اشاره به آماری افزود: با پیگیری‌های انجام شده قرار است پنج پروژه آموزشی با ۲۰ کلاس درس تا هفته دولت و قبل از شروع سال تحصیلی جاری در این شهرستان افتتاح شود. وی با اشاره به گرایش بیشتر خانواده‌های گنبدی برای ثبت نام فرزندان در مدارس هیأت امنایی، اضافه کرد: مدارس فعلی

از اطناب زنبوری تا مرد

پیدا



علی درزی

فیلم اجتماعی به فیلمی گفته می‌شود که دغدغه‌های رایج و مرسوم یا هنجارها و ارزش‌ها یا واکنش‌های نامعقول فردی باعث ایجاد یک تضاد اجتماعی شده که بر فرد اثر گذاشته و یا این ضدیت از فرد به اجتماع سرایت پیدا کرده. مثلاً شما یک قاتل سریالی همچون خفاش شب را در نظر بگیرید، این قاتل مخوف بر اثر فقدان خانواده و تامین نشدن نیازهای اولیه توسط خانواده که اولین جامعه‌ی فردی محسوب می‌شود، رفته رفته تبدیل به هیولایی متجاوز می‌شود که به راحتی از خطوط قرمز اخلاقی و اجتماعی عبور می‌کند و کاری ممنوعه را به راحتی انجام می‌دهد. البته گاهی اوقات تحلیل معضلات اجتماعی به همین سادگی نخواهد بود. مثلاً هیولایی کارزماتیک چون سعید حنایی را در نظر بگیرید، اگر می‌گویم کارزماتیک قصدم این نیست که هانا آرنت‌وار نقلی چون آیشمن در اورشلیم را برای این قاتل متعصب متصور بشوم! کارزماتیک به لحاظ شخصیتی که در مستندش دارد. امیدوارم نه فیلم عنکبوت مقدس را دیده باشد و نه عنکبوت! جفتش به پای مستندی که از این قاتل ساخته‌اند نمی‌رسد. عنکبوت کیست؟ یک متعصب که خود را قاضی و مجری دین می‌داند، این مرد بعد از اولین قتلش وقتی جنازه‌ی زن بدکاره‌ای را در مخروبه‌های اطراف مشهد رها می‌کند، با بارش باران لبخند و رضایت خدا را بر کارش متصور می‌شود و این می‌شود شروع سریال قتل‌هایش. در این مثال معضل اجتماعی چگونه بروز می‌یابد؟ فضایی که به واسطه حضور و ظهور نسل زد برای امروزان رقم خورده را نبینید. بیاییم چند دهه به عقب برگردیم. ما نسلی را داشته‌ایم که دستان مردان بخاطر پوشیدن آستین کوتاه در خیابان رنگ می‌شده، موهای بلندشان وسط خیابان چهارراه می‌شده، به شلوارهای تنگ تیغ انداخته می‌شده، برای حمل سازه‌ها مجوز صادر می‌شده و از همه جالب‌تر (که خاطره‌های شخصی است) خانمی به همراه شوهرش در دهه هفتاد برای عمل جراحی چشم به تهران مراجعه می‌کند و بعد از عمل مجبور به استفاده از عینک آفتابی می‌شود، همین عینک زدنشان در خیابان منجر به دستگیری و هدایت به کلانتری او و شوهرش می‌شود! شما این فضا را در نظر بگیرید و تعصبات رادیکالی یک ساکن شهر مذهبی چون سعید حنایی را هم به آن اضافه کنید. خانم ایشان توسط راننده تاکسی‌ای مورد تعرض واقع می‌شود و ایشان برای جبران در به در دنبال راننده می‌گردد و بعد از پیدا کردنش، دعوایی درمی‌گیرد که متأسفانه از بد ماجرا سعید حنایی از متعرض کتک مفصلی می‌خوردا ایشان با عقده‌ی ایجاد شده چه می‌کنند؟ تمام حرصش را روی زنان ضعیف و بی کس و کار خالی می‌کنند، چه می‌کنند؟ او با این استدلال که تا زن فاسد در شهر وجود دارد، این مردان هیز هم وجود دارند، پس من می‌بایست شهر را از زنان بدکاره پاک کنم! و به مسخره‌ترین شکل ممکن شروع به پاکسازی می‌کند و جالبی‌اش هم این است که بدون اینکه هیچ ردی ازش پیدا کنند برای مدتی کارش را قطع می‌کند، اما به خاطر اینکه دوباره در معرض نمایش و تیترو روزنامه‌ها قرار بگیرد، کارش را از سر می‌گیرد تا بالاخره دستگیر می‌شود! مشکل اجتماعی اینجا چیست؟ تفسیر شخصی دین؟ فضای دگم خانوادگی و اجتماعی؟ فقر و اعتیاد که باعث تن‌فروشی زنان شده؟ و ...

به این خاطر می‌گویم کارزماتیک که این بزرگوار در هیچ یک از مصاحبه‌هایش در مستند نه تنها ابراز پشیمانی نمی‌کند بلکه خودش را یک منجی می‌پندارد که فرستاده‌ی خداوند است! در هیچ یک از مصاحبه‌هایش با روحانی و قاضی پرونده به لحاظ تفسیر و تأویل قرآن کوتاه نمی‌آید و خودش را حق مطلق می‌بیند، او پا را فراتر می‌گذارد و در یک صحنه از مصاحبه با زنی که در واقع فعال اجتماعی و مدافع حقوق زنان است، حنایی او را تهدید به قتل می‌کند، به او می‌فهماند اگر بیرون بود، از نظرش این خانم هم می‌توانست طعمه‌اش باشد! این قاتل اگر کارزماتیک نیست پس چه هست! این مستند آخرین ضربه‌اش را با پسرش به ما می‌زند! پسر چشم در چشم دوربین می‌گوید که از جانب اهالی شیر (خر) شده که راه پدرش را ادامه دهد و با همان نگاه پدر همه را تهدید می‌کند که اگر زنان فاسد برچیده نشوند او نیز راه پدرش را ادامه خواهد داد!

البته که حقوق زنان، مهاجران افغان، اعتیاد، کودکان کار، کودک همسری، زنان تن فروش و غیره همه زیرمجموعه‌ی ژانر اجتماعی قرار می‌گیرند ولی گاهی اوقات بسیاری از این موارد از شکم دیگری بیرون می‌آید. علت و معلول همچون سوال: اول مرغ بود یا تخم‌مرغ؟! پی هم می‌گردند و معضلات را می‌زنند. هنرمند در جایگاه ارائه‌ی اثر حق ندارد راه حل نشان بدهد، چه برسد به منتقد! ولی نشان دادن یک معضل اجتماعی برای چیست؟

مثلاً بعد از دیدن فیلم شب‌های تهران چه اتفاقی باید می‌افتاد؟ احتمالاً دیگر هیچ دختر چشم رنگی نمی‌بایست تاکسی شخصی سوار شود! شاید بخندید ولی انگار نتیجه کلی واکنش جمعی ما به موضوعات اجتماعی فیلم‌ها همین اندازه احمقانه است. فیلم اجتماعی یک هشدار است، یک نقب به تمامی اقشار جامعه، از حاکم گرفته تا وکیل و وزیر و جامعه شناس و روان شناس و فوتیالیست و رفتگر و راننده و دانشجو تا مستخدم یک مدرسه! یک کارگردان اجتماعی باید پیشرو باشد، علاوه بر ذکاوت و هوشیاری باید شامه‌ی تیزی داشته باشد. با اطلاع و شناخت از طبقه‌های بالا و

پایین اجتماعش، بتواند بوی فاجعه را قبل از وقوع استشمام کند و آن را به ارکان عموم در بیاورد، حالا می‌خواهد از خطرات طبقه مرفه بگوید یا از طبقه فقیر یا متوسط! مثلاً عصر مدرن چارلی چاپلین را در نظر بگیرید یا شبکه سیلنی لومت و یا حتی، او اسپایک جونز. سریال اینه سیاه نیز تعریف جدیدی از این نوع دغدغه‌ست که در بخش تکنولوژی به این درجه رسیده!

بسیاری از فیلم‌های اجتماعی درست، هشدار وقوع فاجعه‌هایی بودند و هستند که بعدها اتفاق افتاده و می‌افتند! از قضا به همین خاطر فیلم کشورهای امثال روسیه و چین و ... خیلی می‌تواند مهم باشد، از جانب ما می‌تواند سیاه‌تمایی باشد ولی از نقطه نظر جهان آن سو، در واقع کدهای اطلاعاتی است که آنجا چه خبر است و آیا تهدیدهای بین‌المللی یا فنجایع دیکتاتوری در قبال جهان را می‌شود حدس زد یا خیر؟ کارگردان اجتماعی یقیناً مسلح به گوی غیب‌گویی نیست ولی چندین قدم از دیگر افراد به فاجعه نزدیک است مانند هر هنرمند دغدغه‌مندی! بازخورد این فیلم‌ها باید چگونه باشد؟ از اینجا به بعد دیگر می‌بایست کار را به کاردان سپرد، یعنی سویی که انگشت اتهام به سمتش گرفته می‌شود! البته که گاهی این انگشت تبدیل به هفت تیر می‌شود و آن سوی مورد انتقاد می‌شود آماج گلوله! مثلاً بیایید فیلم مارمولک یا زندان زنان یا گریه‌های ایرانی یا سنتوری را در نظر بگیریم! اوج خرد و کاردانی قشر مورد انتقاد که اگر از قضا خرشان برو داشته باشند، همان پاک کردن صورت مساله است. تا اینکه رفته رفته این شد که امثال فرج بخش‌ها شدن همه کاره سینما! این لوپ معیوب یا گعده‌ی مافیایی که امثال فرج‌بخش‌ها به راه انداختند منجر به این شده که به جای سانسور و حذف فیلم‌های درست اجتماعی، سلیقه آحاد ملت به سمت مستهجن میل داده شود. هر زمانی که این مطلب را می‌خوانید لطفاً گوگل کنید: پرفروش‌ترین فیلم‌های هفته، ماه، سال! نتیجه فاجعه خواهد بود، از پوستر عکس‌ها متوجه خواهید شد که چه خبر است! به لجن کشیده شدن سلیقه عموم مردم در موسیقی، فیلم و رمان را کمتر از نشت راکتورهای هسته‌ای چرنوبیل ندانید! درست است که انسان برده‌ی مدرن امروزی در انتخاب خودش مجبور است همانی را انتخاب کند که به آن دیکته شده است، ولی این حد از دیکته‌ی مستبدانه نوبر است. فیلم‌های کشور ما دو نوع است، یا طنز مزخرف یا فیلم دولتی که با بودجه ملی ساخته می‌شود و جالب‌تر اینکه بلیط‌هایش هم توسط ارگان‌های دولتی و نظامی خریداری می‌شود! دقت می‌کنید؟ رستورانی را در نظر بگیرید که یا غذای

نه تنها داستان فیلم را همه می‌دانند بلکه اسم فیلم و قصه را لو می‌دهد. پس در همان ابتدای فیلم حالا کارگردان و فیلمنامه‌نویس چطور

بی‌کیفیت و ارزان تولید می‌کند که عموم به خاطر فقر مالی شان از آن استقبال می‌کنند یا غذای به اصطلاح لاکچری سرو می‌کند که به دلیل بد مزه بودن و گرانی بی‌دلیلش خود صاحب رستوران از آن تناول می‌کند، خود گوید و خود خندند! حالا در این مثال می‌شود فاجعه را افزایش داد، فکر کنید همه رستوران‌های دیگر پلمپ می‌شوند و فقط همین می‌ماند! البته که رگه‌های دغدغه اجتماعی فیلم‌ها به صورت استتار دیده می‌شود، مثلاً پدیده صحنه زنی در بعضی فیلم‌ها به آن اشاره شد تا اینکه

ه‌ای که جنازه نداشت!

کدن

ندارد. مثلا لانتوری را در نظر بگیرید، لانتوری یک واقعه نگاری از یک مستند دلخراش بود که به احمقانه‌ترین شکل ممکن توسط کارگردان صحنه پردازی شد. این نوع فیلم‌ها وقتی بزرگترین اصول داستان، یعنی تعلیق و غافلگیری فدای موضوع انتخاب شده می‌شوند، و مخاطب می‌داند که چه اتفاقی قرار است بیفتد، چطور ایده را گسترش می‌دهد؟ دوربین را به مبتدیان ترین شکل ممکن جلوی بازیگرها قرار می‌دهد و از آن‌ها گزارش مصاحبه‌ای مستندگونه می‌گیرد! مخاطبی که خبرش را در روزنامه حوادث خوانده ناخواسته ترغیب می‌شود که فیلم را ببیند! پس درام اجتماعی نمی‌تواند صرفا بر اساس یک فاجعه اجتماعی باشد، یعنی نمی‌تواند روایت‌گر یک اتفاق رخ داده شده باشد و اگر هم می‌خواهد باشد باید مانند مستند روستا زاده گرگانی باشد! باید نگاهی راشومون‌وار به داستان داشته باشد، یعنی ابژه از دل سوژه و سوژه از دل همان ابژه بیرون بزند، مانند همان توضیحی که اول دادم، از آخر این نهمیب را به مخاطب بزند که ای مخاطب، تو نیز در این فاجعه مقصری همانگونه که



قربانی‌ایی بیش نیستی! این بیش از کجا می‌آید؟ یقینا رنج زیستی کامران شیردل در دل اجتماعی که در آن زیسته و تحصیلاتی که انجام داده و بزرگانی را که با آن‌ها تبادل و همزیستی داشته بی تاثیر نیستند. تحصیلاتی که آقای فرح بخش در مناظره‌ای در برنامه‌های سینمایی در پاسخ منتقدش که پرسیده بود، چرا کارگردانان بیسواد باید کار را در دست بگیرند و چنین مزخرفاتی را بسازند؟ می‌گوید: بهرام بیضایی که الان مدرس دانشگاه‌ست، دیپلم هم ندارد! می‌بینید؟ فاجعه و سفسطه را می‌بینید به کجا رسیده؟ کار سینمای ایران به جایی رسیده که مثلا محمد حسین مهدویان زخم کاری ۳۲۱ و هر فیلمی که دلش می‌خواهد می‌سازد، و آقای بیضایی می‌شود بیسواد و مطرود! اگر جامعه سینمایی ایران را کل دنیا در نظر بگیریم، گونه‌ی آقای بیضایی زنبور است، نه یکی از گونه‌های زنبورها بلکه آخرین گونه زنبور روی کره خاکی! و امان از توری اثبات شده انیشتین راجع به زنبورها! قصد من اسطوره سازی یا تقدس گرایی من باب هنرمند نیست، اتفاقا همه تلاش ما این است بگوییم فرد مقدسی در هنر وجود ندارد، چرا که هنر مقدس نیست! ولی مگر اسطوره شناسی، گندم و گوشت و مرغ برزلی است که یا تولید می‌کنیم و خودکفا می‌شویم یا اگر نشد، واردش می‌کنیم؟ بیسواد، تحجر، کینه و پول مفت زنگاره‌ای بر پیکر سینماست که برخلاف موریانه از رو دارد پیکره‌اش را می‌خورد و کک آقایان هم نمی‌گزد. یادی کنم از سعید راد دوست داشتنی! یک بازیگر و انسان متشخص، به نظرم ایشان سلبریتی نبودن ولی کاش بودن! از رنگ چشمان و استایل و فیزیک و صدایشان نمی‌گویم! از تفکر قهرمان پرورشان می‌گویم! سعید راد بزرگ مردی بود که همواره به کارگردانان پیشنهاد نقش اکشن می‌داد، دوست داشت برایش نقش اکشن کنار بگذارند و بزار از نقش پیرمرد و پدر بزرگ خوانواده بود! اگر در خاطرتان باشد از اهمیت فیلم اکشن صحبت کردم که قهرمان و قهرمان سازی چقدر مهم است! اما از آخر این سرمایه بزرگ ما چه شد؟ مُرد. تا کی باید نبینیم و نبینیم و در روز وداعشان از پشت گوشی‌هایمان آهی کوتاه از سر حسرت بکشیم؟ تا زمانی که فرح بخش‌ها هستند همین آتش است و همین کاسه! گاهی اوقات باید تفکر اشخاص را از ریشه سوزاند و گرنه آدم‌ها که پالاند و گوش دراز همان گوش دراز! از اطناب حاشیه‌ی متن که کم هم نشد، بکاهیم و برویم سراغ فیلم هفته!

و اما ببیدن

قضیه‌ی عشق و عاشقی مرگ آفرین آرمان و غزاله از وقتی که در ایران فیس‌بوک مد بود اتفاق افتاد و تا اینستاگرام کش آمد. چیزی حدود ۸ سال! بابا مامان‌ها که چه عرض کنم، بعضی از خودمان هم آن دوران فیس بوک نداشتیم ولی الان بابابزرگ و مامان بزرگ‌ها هم دیگر چند سالی هست که اینستاگرام دارند، البته با فیلترشکن! می‌خواهم چه بگویم؟ می‌خواهم نظراتان را به این موضوع جلب کنم که فقط خواجه حافظ شیرازی داستان غزاله و آرمان را نمی‌دانست، چه داستانی؟ داستان ببیدنی! اینکه زنده و مرده غزاله هیچگاه پیدا نشد. اگرچه همین رسانه در واقعیت می‌رفت به راه نجات آرمان مبدل شود، چون در همان دوران مفقودی غزاله، صفحه شخصی فیس بوک غزاله آنلاین شده بود و شایعه‌ی دیده شدن او در جنوب و کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس هم بود! اما وکلا نتوانستند از این موضوع به نفع آرمان استفاده کنند، نه زنده‌اش پیدا شد و نه مرده‌اش! اسم فیلم چیست؟ ببیدن! کسی که بدن ندارد؟ چه کسی می‌تواند بدن نداشته باشد؟ یقینا مرده‌ای که جنازه‌اش گم و گور شده! پس تا اینجا اسم فیلم علاوه رسانه‌ای که در دست آحاد ملت قرار دارد، حداقل داستان این دو نفر به چشمشان یا گوششان خورده، و می‌دانند که آرمان در آخر این درام یا تراژدی و یا حتی کمدی سیاه و شاید هم ابزورد اعدام شد! پس نه تنها داستان فیلم را همه می‌دانند بلکه اسم فیلم هم جای کوچکترین کنجکاوی نمی‌گذارد و قصه را لو می‌دهد. پس در همان ابتدای فیلم بزرگترین تعلیق داستانی فیلم نابود شد و رفت، حالا کارگردان و فیلمنامه‌نویس چطور می‌خواهد کمر فیلمش را راست کند؟ حقیقتش فیلم هیچ‌وقت قد راست نمی‌کند! حالا ممکن است نگاه مدرنیستی بگوید: چرایی که مهم نیست، چگونگی را دریاب! دستشان را هم می‌بوسم، ولی مثال درست و شاهکار نگاه مدرنیستی چگونگی، می‌شود همان مستند آقای شیردل. و اما چگونگی. ببیدن فیلم چگونگی یک واقعیت دست به دست شده در فضای مجازی است که مادر بزرگ‌ها تا تینیجرها احتمالا داستان‌شان را می‌دانند. داستان فیلم و واقعیت به این صورت بوده که وکیل مدافعان آرمان بعد از اینکه او را از اعترافات اولیه که احتمالا بر اساس اعمال زور و فشار (شما بخوانید شکنجه کاربلدانه که ردی روی تن متهم نماند و در فیلم مثلا از شکنجه بیخوابی استفاده می‌کند) بازپرسان و ماموران بوده، تیرنه می‌کنند و کم‌کم در روند پرونده دست به دسیسه‌هایی می‌زنند، همین آن‌لین شدن فیس‌بوک و یا دیده شدنش در کشورهای حاشیه خلیج فارس یا مرخصی رد کردن والدین مقتول برای دخترشان و از همه مهمتر نگفتن جای جنازه! در واقع پدر آرمان با تاکید بر اینکه اگر جنازه‌ای نباشد یقینا قاتلی هم وجود ندارد استفاده می‌کند و آن را به رسانه‌های داخل گوشی می‌کشاند و از این کش خوردن استفاده می‌کند و پای سلبریتی‌های همیشه حاضر در صحنه را وسط می‌کشد و به جان خانواده مقتول می‌اندازد. از طرف دیگر از پتانسیل خود رسانه هم سود می‌برد و مردم را به دو دسته تقسیم می‌کند، دسته‌ای که طرفدار آرمان می‌شوند زندگی را بر خانواده مقتول سخت و طاقت‌فرسا می‌کنند تا جایی که این فرایند طی هشت سال ادامه پیدا می‌کند تا آرمان از دار آویخته می‌شود. فیلم صرفا پروسه‌ای را نشان می‌دهد که خود مخاطب در روند شکل گیری نتیجه آن قرار داشته! اما نتوانسته مثل فیلم هیولای کورئیدا انگشت اتهام را سمت مخاطب بگیرد و او را هم مقصر باند و طعنه‌وار صفت هیولا را بر پیشانی‌اش بچسباند، و البته کاری که فرهادی هم خیلی دوست داشت در قهرمان انجام بدهد، ولی او هم نتوانست! پس فیلم در زیرلایه که باخته است، در سطح چه کاری انجام می‌دهد؟ هیچ! همه آن چیزهایی را که دیده ایم و شنیده‌ایم، فیلمش را می‌بینیم، مثل این است که هانکه بازی خنده دار را در هالیوود دوباره می‌سازد! خب که چه؟ در طول قصه نه تنها چیزی به مخاطب اضافه نمی‌کند بلکه با عوض کردن شغل پدر قاتل و قضیه‌ی عکس‌های تور کویر که اصلا وجود خارجی در واقعیت نداشته، خواسته صرفا گرایه به فیلمش بیافزاید و ما را هم به عنوان بیننده‌ی این عکس‌ها (در زندگی روزمره‌مان) درگیر کند و در نهایت رسیدن به آن گره‌گشایی عروسی که به بدترین شکل ممکن صورت گرفت، در جایی دیگر بازپرس را قهرمانانه وارد داستان می‌کند. آن هم از قاب فیلم بیرون می‌زند و از همه بدتر جلسه دادگاه را به التهاب نتیجه آزمایش خون می‌رساند که کاملا مسخره است، چون خون پیدا شده تنها مدرک مهم این پرونده بوده، چطور دادگاه بدون استعلام نتیجه آزمایش خون تا آخر پیش می‌رود؟ فیلم از پس چگونگی هم برنمی‌آید. فقط یک خوبی داشت، اصلا بخاطر همین تنها خوبی، در متن مدام از لفظ قاتل و مقتول استفاده کردم، در دنیای نسبیست و احتمالات و عدم قطعیت، نگاه خاکستری‌اش به موضوع را کنار می‌گذارد و نقش پدر قاتل را پر رنگ می‌کند و صریح می‌گوید که چه گندی زده و شک شبهه‌ای در پایان باقی نمی‌گذارد. نمی‌دانم از چه می‌ترسیم که بگوییم فلائی قاتل است یا اختلاص‌گر. چرا باید از نشان دادن قاتل‌ها و زده‌ها و مال مردم خواران خودداری کنیم؟ حفظ شان یک دزد و قاتل و اختلاص‌گر چه دلیلی دارد؟

به فیلم برگردیم، شخصیت مادر مقتول به لحاظ مصائب و نوع ایستادگی‌اش به قدری برایم جذاب بود که در آخر فیلم به خودم گفتم کاش فیلم کلاد در مورد این شخصیت بود، بازی شاکر دوست خوب بودی ولی کاش گریم‌هایش هم به خوبی بازی‌اش می‌بود.

لم هم جای کوچکترین کنجکاوی نمی‌گذارد
بزرگترین تعلیق داستانی فیلم نابود شد و رفت
می‌خواهد کمر فیلمش را راست کند؟

فیلمی با همین نام ساخته شد! ولی مشت نمی‌تواند نمونه خروار خروار نگزاس ۳۲۱ ... باشد! و بزرگترین شوخی برای سینمای ایران فیلم سیاسی ساختن است که نمونه‌های فاجعه بارش را در عصبانی نیستم و آشغال‌های دوست داشتنی دیدیم! در ایران سال‌هاست که خبری از فیلم اجتماعی هشدار دهنده نیست، در عوض مستند نگاری به شیوه فیلم کم نیستند! بعضی فیلم‌ها صرفا بر پایه اتفاق واقعی ساخته می‌شوند و هیچ هدفی جز برانگیختن احساسات مخاطب





درباره

ترور هنیه



مصطفی ابراهیم نژاد

ترور ارشدترین مقام سیاسی حماس در تهران همزمان با تحلیف رئیس جمهوری که نزدیک به طیف اصلاح طلبان است و پیام گفت و گو با جهانیان و حل مسائل بین المللی را از طریق مذاکره داده بود، با هدف رسیدن به نتایج متعدد و حاوی پیام های مهمی بود. اول آن که اسرائیل با این کار دیگر بار نشان داد که محدودیت و پای بندی به قواعد بین المللی برای خود قائل نیست و حاضر است، با حمله به خاک کشورها به اهداف مدنظر خود دست یابد، در واقع هیچ رژیم به اندازه اسرائیل در قرن معاصر دست به ترورهای هدفمند برون مرزی که امری به خلاف حقوق بشر و حقوق بین الملل می باشد، نزده است. دوم آن که این اقدام پایانی بر این تحلیل شد که پس از حمله اسرائیل به سفارت ایران در سوریه و عدم پاسخ ایران موازنه قدرت و بازدارندگی ایران تضعیف خواهد شد، و اگر ایران حمله نکند، اسرائیل جری گردیده و زمینه بیش از پیش تجاوز را ایجاد خواهد کرد، خصوصاً آن که حمله اخیر این رژیم به اقامتگاه اسماعیل هنیه در تهران، از حمله به سفارت ایران در سوریه به مراتب مهم تر بود. بنابراین باید سنجیده و هوشمندانه عمل کرد تا پاسخ نظامی ایران که به نظر می رسد قطعی است منجر به شروع یک جنگ منطقه ای نگردد. سوم آن که در آن سوی قضیه به نظر می رسد که ایران مایل به شروع جنگ با اسرائیل نیست، اما ضربه نظامی و امنیتی وارده، ایران را ناچار از پاسخ همراه با متحلمان و گروه های مقاومت منطقه ای نموده است، لکن به نظر می رسد که ایران تمایل ندارد که مهم ترین کارت خود که حزب الله لبنان است را وارد درگیری تمام عیار با اسرائیل کند چرا که این امر هم به منزله ورود لبنان به جنگ و افزایش تلفات انسانی و هم تخلیه ظرفیت نظامی قوی ترین متحد نظامی ایران است، که آخرین امید ایران در روز

سرنوشت محسوب می گردد، بدیهی است که به همکاری نظامی و اتحاد کشورهایی همچون روسیه و چین نیز در صورت وقوع جنگ نمی توان دل بست. چهارمین هدف اسرائیل از این اقدام که همزمانی این ترور با تحلیف ریاست جمهوری ایران را نشان می دهد بیانگر آن است که اسرائیل نمی خواهد ایران با آمریکا و کشورهای غربی به نتایجی مشخص در خصوص مذاکرات هسته ای دست یابد و

ترور اسماعیل هنیه هر چند

ضربه ایی هولناک و سنگین به پیکر

حماس بود اما باعث نابودی این جبهه

مقاومت ملی که ریشه در تفکر و اندیشه

مردم فلسطین دارد نخواهد شد

در حالی که آمریکا نیز کمابیش به حل مناقشه هسته ای با ایران برای ارائه یک دستاورد در عرصه سیاست خارجی جهت افزایش توان رقابت با نامزد جمهوری خواه نیازمند است، این اقدام اسرائیل ایران را در تله شکل گرفتن یک جنگ گسترده و خاموش شدن امکان مذاکره با غرب مواجه کرده است. از سویی دیگر این اقدام را در راستای تقویت جریان جمهوری خواه که نتایج، خود را به آن نزدیک می داند نیز صورت گرفته است. پنجمین هدف آن است که دولت افراطی اسرائیل نشان داد که به دنبال درگیری و افزایش تنش های منطقه ای است و باکی از آن ندارد که ایران را وارد جنگی گسترده با خود کند، چرا که هم حیات

سیاسی نتایج و تضمین می گردد و هم به خوبی می داند که در صورت وقوع جنگ بین خود و ایران از حمایت تمام قده آمریکا و کشورهای اروپایی برخوردار خواهد بود و در عین حال که حمله ۷ اکتبر حماس ضربه سنگین امنیتی، اطلاعاتی به اسرائیل بود به نظر می رسد که این رژیم با حملات هدفمند به دنبال برگرداندن ورق معادلات منطقه ای است و به دنبال آن است که پایان جنایت های خود را همراه با دستاوردهای متعددی همراه سازد. ششمین مسئله آن است که این حمله که در عمق خاک ایران و در مرکز و پایتخت و با شناسایی محل اقامت اسماعیل هنیه انجام شد، باری دیگر هشدارهای جلی امنیتی و نظامی را به مسئولان ایران گوشزد می کند، و مسئله نفوذی ها و جاسوسان اسرائیل را که امری بسیار مهم تلقی می شود نمایان می سازد، خصوصاً آن که گمانه زنی های جلی در خصوص بمب گذاری یا اصابت یک پرتابه به محل اقامت رئیس دفتر سیاسی حماس وجود دارد. هفتمین مسئله آن است که جنایت های بی شمار اسرائیل در غزه و کشتار انسان های بیگناه و ناتوانی سازمان ملل در حل مناقشه اسرائیل و مذاکرات متعددی نتیجه میان حماس و اسرائیل طی ماه های اخیر نشان داد که اساسی ترین مولفه در نظام بین الملل قدرت است و کشور یا نهادی که واجد بیش ترین قدرت خصوصاً در عرصه نظامی باشد حرف آخر را خواهد زد. در نهایت باید گفت که ترور اسماعیل هنیه هر چند، ضربه ایی هولناک و سنگین به پیکر حماس بود اما باعث نابودی این جبهه مقاومت ملی که ریشه در تفکر و اندیشه مردم فلسطین دارد نخواهد شد و این جنبش آزادی بخش به حیات خود ادامه خواهد داد.

وکیل دادگستری

بیش از ۶ هکتار به عرصه های فضای سبز اضافه شد



کنیم و کارها را برابر قانون و به نفع مردم انجام دهیم. شهردار گرگان یکی از اقدامات بی بدیل در دوره کنونی مدیریت شهری را اضافه شدن بیش از ۶ هکتار به عرصه های فضای سبز این شهر دانست و گفت: گرگان شهر سبز نیست و با وجود ساخت پارک های محله ای و بوستان های متعدد اما سرانه فضای سبز در این شهر پایین است. در عین حال تلاش زیادی از سوی همکاران شهرداری در این دوره کشیده شد و توانستیم بیش از ۶ هکتار به این عرصه ها اضافه کنیم. وی در بخش دیگر سخنانش بر توجه به موضوعات فرهنگی و اجتماعی تاکید کرد و گفت: کارکرد شهرداری ها صرفاً حوزه عمرانی نیست و امروز شهرداری ها در مسائل فرهنگی و اجتماعی نقشی مهم و مؤثر دارند. در موضوع اربعین، همه ساله شهرداری های سراسر کشور از جمله در گرگان اقدامات بزرگی را انجام می دهند. باید تلاش کنیم تا فرهنگ شهردلی در جامعه تقویت شود چرا که با مشارکت شهروندان مشکلات رفع خواهد شد.

شماره عقب افتادگی مستمر شهر گرگان از دوره های گذشته تاکنون، افزود: برای اینکه بخشی از این عقب افتادگی را جبران کنیم، باید همه امورات را جهاد گونه جلو ببریم. زمان پاسخگویی به شهروندان را باید کوتاه تر

آسفالت در شهر گرگان اشاره و آن را چشمگیر توصیف کرد و اظهار کرد: شهرداری با به کارگیری همه توان و ظرفیت های موجود و همچنین مدیران پرتلاش خود اتفاقات خوبی را در این شهر رقم زده است. وی با

شهردار گرگان اضافه شدن بیش از ۶ هکتار به عرصه های فضای سبز این شهر خبر داد. به گزارش روابط عمومی، سید محمد رضا سیدالنگی به رضایت مندی شهروندان از اقدامات انجام شده از جمله اجرای نهضت

آگهی ثبتی

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی براب ماده ۳ و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر آراء صادره هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلا معارض خانم سما سید کریمی بشماره شناسنامه ۱۹۸ بشماره ملی ۲۱۲۲۵۵۵۲۷ صادره از گرگان فرزند عبدالصمد متقاضی کلاسه پرونده ۱۴۰۱۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۹۹۳ در شش دانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۵۰،۵۹ متر مربع از پلاک ۳۶۸۸ فرعی از ۱۰۷- اصلی واقع در اراضی خارج از مزرعه موقوفه محمد صادق

باباصدقیان بخش ۳ حوزه ثبت ناحیه ۲ گرگان طبق رای صادره حکایت از تصرفات متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی می شود از این رو اشناسنامه نسبت به رای صادره فوق الذکر اعتراض داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم و گواهی تقدیم دادخواست را به این اداره ارائه نمایند.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۵/۱۴

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۵/۳۰

حجت الله تجری رئیس اداره ثبت اسناد و املاک منطقه دو گرگان - شناسه آگهی ۱۷۶۳۴۷۷



خبر

افتتاح ۴ پروژه گازرسانی در مراوه تپه

آیین افتتاح ۴ پروژه گازرسانی در شهرستان مراوه تپه با حضور استاندار گلستان برگزار شد. به گزارش روابط عمومی، علی محمد زنگانه در آیین افتتاح ۴ پروژه گازرسانی در شهرستان مراوه تپه با حضور دکتر سید نجیب حسینی نماینده مردم شرق استان و روحانیت معزز شهرستان مراوه تپه تصریح کرد: این ۴ پروژه شامل یک پاسگاه مرزی، ایستگاه رادار خانه و ۲ روستا هستند که با اعتبار ۳۷ میلیارد تومان به صورت متمرکز در روستای دالی غزنین مورد بهره برداری قرار گرفتند. وی افزود: گازرسانی در حوزه شهرستان مراوه تپه از دهه ۱۳۸۰ آغاز شده و مسیر خدمت رسانی همچنان ادامه دارد. زنگانه ضمن قدردانی از تلاش های شرکت گاز استان یادآور شد: تاکنون ۹۹ درصد مناطق شهری و روستایی استان گازرسانی شده اند و امیدوارم در دولت چهاردهم بتوانیم با گازرسانی ۱۰۰ درصدی، گلستان را به عنوان استان سبز معرفی کنیم.

گلشن

۰۱۷۳۳۲۴۴۳۰۲

www.golshanemehr.com

آخرین جزئیات پرونده

دست اندازی به سفره گلستانی ها

پولی که متخلفان به جیب زدند پول مازاد یک شرکت دولتی نبود بلکه یارانه دولت برای تامین نان مردم بوده است

ما را به شبکه‌های از تخلف در بخش آرد و نان رساند که در کل کشور فعالیت داشتند و با تخلفات در حوزه سیلوهای گندم، کارخانجات آرد و نانوائی‌ها، آرد را از شبکه توزیع خارج می‌کردند. به گفته صداقت متخلفان، آرد یارانه‌ای را که باید به عنوان نان در سفره غنایی مردم قرار می‌گرفت با زد و بند و سوءاستفاده از خلأهای قانونی موجود از کارخانجات آرد خریداری می‌کردند اما هیچ‌گاه به نانوائی نمی‌دادند. فروش آرد یارانه‌ای به کارخانجات کیک و کلوچه و شیرینی‌پزی وی گفت: متخلفان آرد تهیه شده را خارج از شبکه به شیرینی‌پزی‌ها، کارخانجات کیک و کلوچه و نانوائی‌های آزادپز و حتی به نانوائی‌ها می‌فروختند و سود هنگفتی به جیب می‌زدند. معاون دادستان مرکز گلستان با بیان اینکه مشکلات مربوط به حوزه آرد و نان موجب شد تا تحقیقات خود را در کل کشور گسترش دهیم و همه متخلفان این شبکه که ۱۵ نفر بودند شناسایی و بازداشت شدند، خطر نشان کرد: برخی از متخلفان این شبکه چندین میلیارد تومان از طریق فروش ارزاق عمومی مردم در بازار آزاد منفعت بردند. صداقت با بیان اینکه عده‌ای با طمع سودجویی و به امید مال‌اندوزی به سفره مردم دست‌درازی کردند، یادآور شد: عمق فاجعه زمانی مشخص می‌شود که متخلفان این پول را از سفره مردم به ویژه افراد بی‌بضاعت حذف کردند، در واقع پولی که متخلفان به جیب زدند پول مازاد یک شرکت دولتی نبود بلکه یارانه دولت برای تامین نان مردم بوده است. وی به مردم نوید داد که رای این پرونده در اسرع وقت صادر شود و متخلفان به سزای اعمال خود برسند، همچنین تلاش خود را برای جلوگیری از ادامه روند تخلفات به کار خواهیم گرفت. معاون دادستان مرکز گلستان در پاسخ به این سوال که چرا برخورد با متخلفان چند سال به درازا کشید، گفت: پرونده حدود چهار سال تحت رسیدگی بوده و برای انجام تخلفات، شبکه کشوری تشکیل شده بوده که شناسایی و برخورد با این شبکه به کار تحقیقاتی و کارشناسی دقیق نیاز داشت. صداقت با اشاره به اینکه متهمان با استفاده از فضای مجازی و حساب‌های واسطه در طول سالیان اقدام به خارج کردن آرد از شبکه توزیع کردند، تصریح کرد: اداره کل غله و خدمات بازرگانی، صنعت، معدن و تجارت استان، فرمانداری، کارخانجات آرد و سیلوهای گندم و نانوائی‌ها کسانی بوده که در ایجاد این تخلف، کم‌کاری و قصور داشتند. نماینده دادستان در شعبه ویژه رسیدگی به پرونده‌های اخلاقی‌گران نظام اقتصادی مستقر در استان گلستان، بهترین راهکار برای جلوگیری از بروز تخلفات مشابه را نظارت بیشتر از طریق دستگاه‌های متولی و همچنین تغییر در روش تخصیص سهمیه‌ها دانست و بیان کرد: از هر ۱۵ متهم پرونده، تامین و تضامین قانونی برای بازگرداندن بیت‌المال اخذ شده است. تلاش خبرنگار ایرنا برای گرفتن نظر مدیران اداره کل غله گلستان در موضوع این پرونده بی‌نتیجه بود.



طریق نامشروع، اخلاقی کلان در نظام تولیدی کشور از طریق سوءاستفاده عمده از فروش غیرمجاز مواد اولیه در بازار آزاد خرید و فروش غیرمجاز در مجموع بیش از ۲ میلیون کیسه آرد یارانه‌ای و نیمه یارانه‌ای از سال ۱۳۹۷ تا سال ۱۴۰۱ و کسب سود کلان متهم هستند. متهمان حواله‌های آرد نانوائی‌ها را با قیمت توافقی می‌خریدند و پس از تعویض کیسه‌های آرد، از استان خارج می‌کردند که در نهایت آرد یارانه‌ای به عنوان آرد نول به کارخانه‌های کیک و کلوچه و همچنین نانوائی‌های آزادپز سایر استان‌ها به ویژه مشهد و تهران به فروش می‌رفت. معاون دادستان مرکز گلستان گفت: از مشاهده صف‌های طولانی نان در گلستان شوکه بودیم، برای ما قابل هضم نبود که استان گلستان با وجود حجم بالایی از تولید گندم و آرد باکیفیت با معضل کمبود آرد و نان مواجه باشد. محسن صداقت تاکید کرد: بخش ارزاق عمومی و نان یکی از حوزه‌های مهم و مورد توجه قوه قضاییه بوده و تلاش می‌شود مسائل مربوط به این بخش با دقت بیشتر موردبررسی قرار گیرد. وی با بیان اینکه در سالیان قبل با مشکلات عدیده‌ای در حوزه آرد و نان مواجه بودیم که صف‌های طولانی و کمبود نان در نانوائی‌ها را به همراه داشت، افزود: در آن زمان مشکلات حوزه آرد و نان در استان گلستان با وجود تولید معقول گندم در استان و کشور، احتمال وجود تخلف در این حوزه را افزایش داد و همین مساله موجب شد دادگستری گلستان پرونده‌های برای رسیدگی به تخلفات حوزه آرد و نان تشکیل دهد. نماینده دادستان در شعبه ویژه رسیدگی به پرونده‌های اخلاقی‌گران نظام اقتصادی مستقر در استان گلستان متذکر شد: بررسی‌های طولانی مدت و دقیق،

متخلفان آرد تهیه شده را خارج از شبکه به شیرینی‌پزی‌ها، کارخانجات کیک و کلوچه و نانوائی‌های آزادپز و حتی به نانوائی‌ها می‌فروختند و سود هنگفتی به جیب می‌زدند

گرچه در آن زمان با ایجاد شبکه نظارتی و جدیت در اجرای قانون و تنبیه متخلفان، به تدریج از طول صف نانوائی‌های گلستان کاسته شد و آرامش به نانوائی‌ها برگشت اما این مساله موجب نشد نگاه تیزبین قانون از شناسایی مفسدان و سودجویان این عرصه دور بماند. برگزاری نخستین جلسه دادگاه علنی رسیدگی به پرونده عرضه خارج از شبکه آرد استان گلستان در اواخر تیر و جزئیات تخلفات متهمان بخش زیادی از معمای صف‌های طولانی نان در استان گلستان را روشن کرد. پرونده عرضه خارج از شبکه آرد استان گلستان ۱۵ نفر متهم دارد که متهمان ردیف اول تا پانزدهم به تحصیل مال از

برگزاری نخستین جلسه دادگاه علنی رسیدگی به پرونده عرضه خارج از شبکه آرد گلستان به معمای صف طولانی نان در این استان پایان داد. رسیدگی‌ها نشان می‌دهد بیش از ۲ میلیون کیسه آرد یارانه‌ای در سال‌های ۱۳۹۷ تا ۱۴۰۱ توسط ۱۵ متهم از دسترس گلستانی‌ها خارج شده است. به گزارش ایرنا، از آن روزها که چشم مردم گلستان در صف‌های طولانی نان به سیاهی می‌رفت زمان زیادی نمی‌گذرد در آن زمان افزایش قیمت برنج هم توان خرید این محصول را از مردم به ویژه اقشار کم‌درآمد گرفته بود و مردم چاره‌ای جز تحمل صف‌های طولانی نان نداشتند. گرفتاری نان به عنوان عضو اصلی سبد غذایی خانوار در تنور صف‌های طولانی برای استان پیشتر در تولید گندم برای مسوولان به ویژه دستگاه‌های نظارتی و قضایی گلستان قابل هضم نبود. ائتلاف وقت مردم در صف‌های طولانی نان و ایجاد موجی از نارضایتی، مدیران استان گلستان را بر آن داشت تا با شناسایی دلایل بروز این نارسایی به این چالش آزردهنده پایان دهند. علی محمدزنگانه استاندار گلستان نیز در آن برهه با هشدار جلی به متخلفان از برخورد قاطع با آنان خبر داد و بر این مهم تاکید کرد که در موضوع نان مردم، ۱۰ درصد کم‌کاری را مساوی ۱۰۰ درصد می‌دانم و با فساد در هر سطح و فردی که باشد مقابله می‌کنم. در حالی که دولت برای اصلاح یارانه‌ها باهدف توزیع عادلانه آن و حذف رانت و ویژه‌خواری‌ها، طرح اصلاح قیمت کالاهای اساسی و یارانه‌ها را در دستور کار قرار داده بود، با سودجویی برخی افراد و کم‌فروشی تعدادی از نانوائیان و فروش آرد یارانه‌ای به قیمتی به مراتب گران‌تر در بازار آزاد حوزه آرد و نان گرفتار تلاطم و آشفتگی شد.